

رئیس اتحادیه کارگران قرار دادی خواستار شد: حمایت از بنگاه‌های اقتصادی

در پسا جنگ

رئیس اتحادیه کارگران قرار دادی و پیمانی با بیان اینکه جنگ می‌تواند بر تعدیل نیرو و اختلال در اشتغال نیروهای کار تاثیر بگذارد، گفت: دولت و حاکمیت باید با مدیریت به‌موقع، بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی را حمایت و از کارگران مراقبت کنند. فتح‌الله بیات در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: جنگ مخرب است و برای هیچ کشوری به صلاح و صرفه نیست زیرا عواقب و آسیب‌های خودش را دارد. جنگی که به کشور تحمیل شدد بر زیر مجموعه‌های اقتصاد و تولید اثر گذاشت و در بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی آسیب‌هایی به‌دفعه اقتصاد کشور وارد کرد. وی ادامه داد: طبیعا این جریان موجب تعدیل نیرو و اختلال در اشتغال نیروهای کار می‌شود و حتی برخی بنگاه‌های کوچک را به مخاطره می‌اندازد لذا وظیفه حاکمیت، دولت و وزارت کار است که با مدیریت به‌موقع، بتواند بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی را حمایت کند و از لحاظ وام‌های گرفته‌شده و پرداخت اقساط بانکی به آنها مهلت دهد. رئیس اتحادیه کارگران قرار دادی و پیمانی تصریح کرد: برخی بنگاه‌ها در تهیه مواد اولیه دچار مشکل شده‌اند زیرا با توجه به شرایط جنگی وارد کردن مواد اولیه آن هم بازرخ‌چی بسیار سخت است و قطعا در تولید و به‌کارگیری و حفظ نیروی کار تاثیر می‌گذارد، بنابراین دولت و حاکمیت باید کمک کنند و پای کار باشند. بیات یادآور شد: کارگران در مشوک باران سر کار بودند و محل کار را ترک نکردند مگر آنجا که کارفرما اجبار کرد تا جانانشان در خطر نباشد. به گفته این مقام مسئول کارگری، دولت وظیفه دارد که در شرایط جنگی، هم از نیروی کار مراقبت کند و هم کارفرما و سرمایه‌وار را مورد حمایت قرار دهد. وی افزود: بنگاه‌های بسیاری در جنگ آسیب دیدند یا به علت عدم تامین مواد اولیه یا ناتوانی در واردات مواد اولیه دچار تعطیلی و توقف فعالیت شدند یا به دلیل بدهی معوق قادر به تسویه آن نشدند که در این شرایط نیازمند حمایت دولت هستند و نقش دولت در این زمینه پررنگ‌تر است.

نسرین هزاره مقدم

در روزهای اخیر کارگران برخی واحدهای صنعتی و کارگاه‌های کوچک از ترندهای غیرقانونی کارفرمایان برای کاهش حقوق خبر می‌دهند.

«اعلام کردند فعلاً بازار کساد است و تا اطلاع ثانوی، شیفتی و یک روز در میان سر کار بیایید اما حقوق تان هم نصف می‌شود؛ نصف پایه حقوق قانونی». اینها را کارگر یک کارگاه تولید و فروش

بهره‌کشی از کارگران با مزد غیرقانونی

یک روز در میان بیایید و نصفه حقوق بگیرید!



لباس می‌گوید که در هفته‌های اخیر درگیر ترندهای غیرقانونی کار فرما شده و از آنها خواسته‌اند شیفتی سر کار بیایند و تا پایان شرایط جنگی، نصفه حقوق بگیرند. در واقع آنچه قرار است با کالی‌متت به حساب‌شان بریزند، فقط نصف حقوق پایه‌است، چیزی حدود ۱۰ میلیون تومان! کارگران اصناف و واحدهای کوچک در کلاشهرها، این روزها با مشکلات عجیب غریب و بی‌سابقه‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند. از یکسو، اضافه‌کار و پورسانت فروش و تولید تعطیل شده

طبق گفته وی، باقی هم قرار است با نصف حقوق سال قبل به صورت شیفتی سر کار بیایند. این کارگر که در میان دو گزینسه ادامه کار با حقوق پایین و تداوم بیگاری یا تسرک کار و ورود به بازار کار غیررسمی و روی آوردن به مشاغل مثل اسنپ موتوری گیر افتاده، می‌گوید: کارفرما به خاطر اینکه بیمه چند نفر از ما را قطع نکرده، مدام سرمانت می‌گذارد. می‌گوید بیمه‌تان را می‌پردازم پس شما هم باید شرایط را درک کنید و با حقوق، ۱۰-۱۱ میلیون تومانی بسازید و به شرایط اعتراض نکنید!

این کارگر سرگردان و بلا تکلیف می‌گوید: رانندگی با موتور خیلی بیش از اینها درآمد دارد بنابراین ممکن است خیر کاررسمی و بیمه‌بگذرم و بروم برای خودم با موتور کار کنم، مگر یک بیمه چقدر می‌ارزد؟

به نظر می‌رسد بیمه حداقلی تامین اجتماعی دیگر آن چنان آش‌دهن‌سوزی نیست که کارگران به خاطرش هر ظلم و جسوری را تحمل کنند و به کارفرما بیگاری بدهند. وقتی نان شب نیست، بیمه‌ای که خدمات چشمگیری ندارد، به چه دردی می‌خورد!؟

چون فروش آن چنانی در کار نیست و از سوی دیگر، کارفرما به این بهانه که سود خیلی پایین آمده بازار کساد است، حاضر نیست به وظایف قانونی خود در قبال کارگران عمل کند. حق بیمه نصف پرسنل را از اول سال قطع کرده‌اند اما برای باقی نیروها بیمه حداقلی را می‌پردازند». یک کارگر واحد فروش لوازم خانگی در غرب تهران هم فرستادن نیمی از نیروهای فروش کارگاه به بیمه بیگاری و قطع همکاری با آنها خبر می‌دهد و

در روزهای اخیر کارگران برخی واحدهای صنعتی و کارگاه‌های کوچک از ترندهای غیرقانونی کارفرمایان برای کاهش حقوق خبر می‌دهند: «اعلام کردند فعلاً بازار کساد است و تا اطلاع ثانوی، شیفتی و یک روز در میان سر کار بیایید اما حقوق تان هم نصف می‌شود؛ نصف پایه حقوق قانونی»

ظاهر از بر فشار گذاشتن کارگران برای متقاعد شدن به توافق غیررسمی و غیرقانونی با هدف پرداخت دستمزد بسیار پایین‌تر از مزد قانونی بدون هر گونه اضافه‌کار و مزایای جانبی، رویکرد متداول بسیاری از کارفرمایان در بحران اخیر است. کارفرما برای جلوگیری از سقوط کامل کارگاه، با استفاده از حربه بیمه، کارگران را وادار می‌کند که به دریافت هر حقوق پائینی رضایت بدهند و کار را رها نکنند. به این ترتیب، کارگاه می‌چرخد اما چرخ زندگی کارگران نمی‌چرخد.

یک کارگر ۵۰ ساله تولیدی لباس که ۱۵ سال سابقه کار در کارگاه فعلی دارد، از شرایط پیش آمده چندان ناراضی نیست و بر این عقیده است که «پرستوی عدالت قرار نیست بر شانه کارگران بنشیند». اومی‌گوید: باره‌هر بحرانی را ما کارگران و بی‌پول‌ها بر دوش می‌کشیم. سال‌هایی که کارفرما شسب عید، گونی گونی پول جمع می‌کرد و خانه می‌برد، پیشیزی بیشتر از حقوق و پورسانت به ما نمی‌داد. حالا هم که جنگ و بحران پیش آمده، باز آوار مصیبت بر سر ماست و قرار است ما کارگران قربانی شویم!

این کارگر مستاجر و مستاصل، از زمین وزمان شاکی ست: «حقوق ۱۰ میلیون تومانی بعد از ۱۵ سال جان‌کندن و سوی چشم گذاشتن، عادلانه نیست. من یک خیاط سابقه‌و قدیمی‌ام که جوانی و سلامت‌ام را پای کار گذاشتم. حالا در میانسالی چه کنم؟ کاسه‌گدایی دست بگیرم!؟»

گفت و گو

کسب و کارهای آنلاین در وضعیت ناپایدار، اما زنده آغاز تعدیل نیرو در اقتصاد دیجیتال کشور

در میانه تلاقی بحران‌های امنیتی، اختلالات زیرساختی و کاهش تقاضا در اقتصاد ایران، اقتصاد دیجیتال کشور بیش از هر زمان دیگری از آزمون‌های جدی و روبرو شده است؛ آزمون‌هایی که نه تنها پایداری کسب‌وکارهای آنلاین، بلکه آینده اشتغال و سرمایه‌گذاری در این حوزه را نیز تحت تاثیر قرار داده است. به گزارش اقتصادنیوز، در چنین شرایطی، بر سرش اصلی این است که زیست‌بوم کسب‌وکارهای مجازی تا چه حد توانسته در برابر این فشارهای هم‌زمان تاب‌آوری نشان دهد و چه مخاطراتی پیش‌روی آن قرار دارد. برای واکاوی این وضعیت و بررسی ابعاد مختلف بحران، از فروش و جریان نقدی تا چالش‌های زیرساختی و چشم‌انداز پیش‌رو، اقتصادنیوز با «ضالفت‌نسب» دبیر اتحادیه کشوری کسب‌وکارهای مجازی به گفت‌وگو نشست.

ارزبایی شما از وضعیت کلی کسب‌وکارهای آنلاین در حال حاضر چیست و این وضعیت چه تفاوتی با بحران‌های قبلی دارد؟

در شرایط فعلی، کسب‌وکارهای آنلاین در وضعیت ناپایدار اما زنده قرار دارند. بر خلاف بحران‌های قبلی که عمدتاً مقطعی یا تا حدودی قابل پیش‌بینی بودند، این بار با ترکیبی پیچیده از ریسک‌های امنیتی، محدودیت‌های زیرساختی و اختلال در دسترسی به بازار مواجه هستیم. تفاوت اصلی این بحران با موارد مشابه پیشین، در هم‌زمانی چندین ریسک است؛ به این معنا که هم سمت تقاضا تحت تاثیر شرایط جنگی کاهش یافته و هم سمت عرضه به دلیل اختلالات اینترنت و نزخیره تامین خدمات با مشکل جدی روبرو شده است. این هم‌پوشانی، فشار مضاعفی را به بدنه کسب‌وکارهای دیجیتال وارد کرده است.

قطعی اینترنت چه اثری بر فروش، جریان درآمدی و ادامه فعالیت کسب‌وکارهای دیجیتال گذاشته است؟

قطعی و محدودیت اینترنت مستقیماً باعث کاهش شدید فروش شده است. این کاهش در برخی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط حتی به نزدیکی عدد صفر رسیده و در حال حاضر نیز بسیاری از آنها در چنین وضعیتی به سر می‌برند. مبادی ورودی مشتریان مانند موتور جست‌وجوی گوگل و شبکه‌های اجتماعی که ابزار اصلی کسب‌وکارهای کوچک بودند، مسدود شده‌اند.

گفت و گو

در سال‌های نه‌چندان دور، حداقل دستمزد ماهانه معادل یک‌سکه طلا بود لزوم متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان

رئیس کانون عالی کارمندان بازنشسته مشمول قانون تامین اجتماعی گفت: در سال ۱۳۸۷ حداقل دستمزد حدود ۳۳۰ تومان بود که معادل تقریبی ۲۵۰ دلار و تقریباً برابر با قیمت یک‌سکه طلا در آن زمان بود. عباسعلی سلطانی کی‌ادر گفت‌وگو با ایسنا اشاره به سقوط معیشت کارکنان و بازنشستگان گفت: نخستین اقدامی که باید اصلاح شود، نحوه‌احساب مزایا است. کلیه مزایا از جمله بن خواروبار، حق مسکن و حق همسر باید در پایه حقوق ادغام شوند. همان‌گونه که از عنوان مزایا برمی‌آید، امکان حذف یا تغییر آنها در هر زمان وجود دارد بنابراین چنانچه این موارد در پایه حقوق منظور شوند، به نفع کارکنان و حتی کارفرمایان خواهد بود.

گزارش



کسب‌وکارهاست. موضوع بعدی، شفافیت در تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی پیش‌دستانه است. وضعیت اطلاع‌رسانی مناسب نیست و فرآیندها مدام تغییر می‌کنند. همچنین ایجاد مسیرهای دسترسی پایدار برای فعالیت‌های اقتصادی و ارائه حمایت‌های اجرایی در زمینه‌های مالیاتی، بیمه‌ای و تسهیلات سرمایه‌در گردش، می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. در واقع مطالبه اصلی، قابل‌پیش‌بینی شدن فضا، حتی در شرایط بحرانی است.

کسب‌وکارهای آنلاین را چگونه می‌بینید و آیا باید نگران تضعیف ساختاری این بخش بود؟

اگر شرایط فعلی کوتاه‌مدت باشد، اکوسیستم با وجود سختی‌های فراوان، سعی می‌کند تا تکیه بر تعصب و حمایت فعالانش، خود را با زبایی کند اما در صورت تداوم این وضعیت، قطعاً بخشی از کسب‌وکارها به‌طور کامل از بین خواهند رفت. در چنین حالتی، سرمایه‌گذاری در اقتصاد دیجیتال که پیش از این هم ناچیز بود، کاهش جدی‌تری خواهد یافت، ناآوری کند شده و اعتماد فعالان اقتصادی به این حوزه آسیب می‌بیند. مگر این اصلی این است که این حوزه به جای یک افقطعی، به صورت ساختاری تضعیف شود. امیدوارم با پایان جنگ و برداشته شدن سایه آن، امکان برنامه‌ریزی برای اقتصاد دیجیتال فراهم شود؛ چرا که این حوزه می‌تواند پیشران اصلی اقتصاد کشور باشد.

مشاهده است و تصور می‌کنم در صورت تداوم این شرایط، شاهد تسدید این روند باشیم. براساس برآوردهای ما، این اتفاق به تدریج در حال وقوع است؛ به‌ویژه در اسارت آپ‌های کوچک و متوسط، تیم‌های مارکتینگ و فروش در معرض تعدیل هستند. همچنین نیروهای پروژه‌ای و فریلنسرها نیز تحت تاثیر این شرایط قرار گرفته‌اند. اگر وضعیت فعلی ادامه یابد، قطعاً شاهد کوچک شدن چالش‌ها و توقف جذب نیروی جدید خواهیم بود. علاوه بر این، با چالش مهاجرت نیروی متخصص نیز مواجه خواهیم شد. می‌تواند به صورت مهاجرت فیزیکی یا کار از راه دور برای بازارهای خارجی باشد. بازار کار این حوزه به سمت انقباض و محافظه‌کاری حرکت کرده و فعالان می‌توانند به رشد فکر کنند.

عملکرد سیاست‌گذار در مدیریت اینترنت را چگونه می‌بینید و مهم‌ترین مطالبه فعالان کسب‌وکارهای آنلاین از دولت چیست؟

طبیعی است که در شرایط جنگی، ملاحظات امنیتی در اولویت قرار می‌گیرد اما انتظار فعالان اقتصاد دیجیتال این است که تصمیمات به‌گونه‌ای اتخاذ شود که کمترین آسیب به کسب‌وکارهای مردم و معیشت آنها وارد نشود. تصمیم‌گیران باید وضعیت افرادی را که در پلتفرم‌های مختلف یا وب‌سایت‌های شخصی فعالیت می‌کردند و اکنون با دست رفتن دسترسی به گوگل و شبکه‌های اجتماعی ضعیف شده‌اند، در نظر بگیرند. مهم‌ترین مطالبه ما، برقراری پایبندی حداقلی اینترنت برای

این اتفاق منجر به اختلال در جریان نقدی، ناتوانی در ارتباط با مشتری و مشکل در ارائه خدمات شده است. در اکوسیستم فعلی، موارد متعددی از توقف موقت فعالیت تا تعطیلی کامل دیده می‌شود. برخی کسب‌وکارها، به‌ویژه در لایه‌خرده‌فعال در پلتفرم اینستاگرام، در روزهای ابتدایی جنگ فعالیت خود را متوقف کردند و چون جایگزینی برای خود انتخاب نکرده بودند، با چالش جدی مواجه شدند. به‌رغم توصیه‌های قبلی مبنی بر داشتن وب‌سایت شخصی یا حضور در «مارکت‌پلیس‌ها» و پلتفرم‌های داخلی در کنار اینستاگرام، برخی این اقدام را انجام نداده و اکنون عملاً توان فعالیت ندارند و تعطیل شده‌اند.

این گروه‌ها با بار قطعی اینترنت، در آمدشان صفر شده و دچار گرفتاری‌های شدیدی می‌شوند. در مقابل، کسب‌وکارهای بزرگ‌تر به دلیل تجربه‌های قبلی، مقاومت و تاب‌آوری بیشتری دارند اما آنها نیز به‌ویژه در روزهای آغازین جنگ با افت جدی درآمد و افزایش هزینه‌های عملیاتی مواجه شده‌اند.

وابستگی کسب‌وکارها به پلتفرم‌های خارجی تا چه اندازه آسیب‌پذیری آنها را افزایش داده و آیا جایگزین‌های داخلی توانسته‌اند این خلأ را جبران کنند؟
وابستگی ما به پلتفرم‌های خارجی، به‌ویژه در لایه‌های بازار یابی (شبه‌کسب‌وکارهای اجتماعی)، زیرساخت (سرویس‌های ابری) و ابزار ارتباطی، سطح آسیب‌پذیری اکوسیستم را بالا برده است. در خصوص جایگزین‌های داخلی باید واقع‌بین باشیم. این پلتفرم‌ها در برخی حوزه‌ها پیشرفت‌هایی داشته‌اند، ارتباطات را برقرار کرده و برخی خدمات دولتی را نیز ارائه می‌دهند اما هنوز در مقیاس، جلب اعتماد و کارایی نتوانسته‌اند به‌طور کامل جایگزین نمونه‌های خارجی شوند. ضمن اینکه برای برخی از ابزارهای اساسی هنوز جایگزین داخلی وجود ندارد. البته ظرفیت‌هایی در کشور موجود است که هنوز فعال نشده‌اند. نتیجه جایگزینی کامل اتفاق نیفتاده و صرفاً شادانتقال بخشی از فعالیت‌ها به پلتفرم‌های داخلی هستیم.

آیا نشانه‌هایی از تعدیل نیرو یا کاهش اشتغال در اکوسیستم استارت‌آپی دیده می‌شود و در صورت تداوم این شرایط، بازار کار این حوزه به چه سمتی خواهد رفت؟
نشانه‌هایی از تعدیل نیرو به صورت محدود اما معنادار در حال

بازنشستگان فراهم شود. سلطانی کیا بیان کرد: موضوع مهم دیگر، حذف سقف بیمه‌پردازی است. در حال حاضر در تامین اجتماعی سقف بیمه‌پردازی تا سقف حقوق است. تعیین سقف حقوق به طریقه‌بندی مشاغل و تعیین مزد یا حقوق بیمه‌شدگان ورود کند. بنابراین ضروری است از فرای بیمه‌ای جلوگیری شود زیرا برخی افراد با پرداخت حداقل حق بیمه، در زمان بازنشستگی انتظار دریافت مستمری بالا دارند. در حالی که میزان مستمری متناسب با میزان و مدت بیمه‌پردازی تعیین می‌شود.

سلطانی کیا تاکید کرد: در مجموع، رعایت شفافیت در پرداخت‌ها، واقعی‌سازی لیست حقوق و مزایا، متناسب‌سازی دستمزد با شاخص‌های اقتصادی و اصلاح ساختار بیمه‌پردازی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود وضعیت نیروی کار شاغل، بازنشسته و حتی کارفرمایان منجر شود.

وی گفت: انتظار می‌رود در اسرع وقت نسبت به اصلاح ساختار پرداخت مزایا و ادغام آنها در پایه حقوق اقدام کنند؛ به‌ویژه آنکه هم‌کانون حق بیمه این مزایا پرداخت می‌شود اما جزو پایه حقوق محسوب نمی‌شود.

کلاه‌رها:

قرار است مزد سال قبل را به ما بپردازند

چون هنوز ابلاغیه مزد سال جاری به دست ما نرسیده، حقوق فروردین پرسنل ابرمبنای مزد ۱۴۰۴ بپردازند. اینها با تاکید بر اینکه اوضاع معیشتی کلاه‌رها اصلاً خوب نیست و در وضعیت بد توری گیر افتاده‌ایم، افزودند: در ایام جنگ، بچه‌های برقی و فشار قوی همیشه و هر روز پای کار بودند و نگذاشتند حتی یک ساعت بی‌برقی به شبکه تحمیل شود. حالا مزد زحمات ما را اینگونه می‌دهند! این حق ما نیست. کلاه‌رها اعلام کردند که «بعد از ۴۰ روز کار در شرایط سخت جنگی، عادلانه نیست حقوق ما را زیاد شود و همان دستمزد سال قبل را به ما بپردازند.»

نمایندگان اپراتورهای پست‌های فشارقوی برق از عدم ابلاغ احکام حقوقی جدید انتقاد کردند. به گزارش ایسنا، نمایندگان کلاه‌رها می‌گویند: برخلاف وعده‌ها و قول‌های سابق، سازمان تامین دستمزد داده دستمزد فروردین اپراتورهای براساس احکام سال قبل پرداخت شده به این معنا که هیچ افزایش حقوقی در نظر